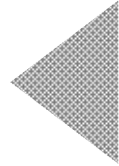


تأثیر نولیب‌الیسم بر الگوهای اقتصادی «دولت» در آرژانتین (۱۹۸۲-۲۰۱۶ میلادی)



هادی آجیلی^۱

مهدی رضایی^۲

(تاریخ دریافت ۹۷/۳/۱ - تاریخ تصویب ۹۷/۸/۲۸)

چکیده

مطالعه اقتصاد توسعه در آرژانتین هم به دلیل نقش و جایگاه تاریخی این کشور در تحولات اقتصادی و سیاسی منطقه امریکای لاتین و جهان در حال توسعه و هم به دلیل افت و خیزهای شدید اقتصادی و سیاسی این کشور در سه دهه اخیر اهمیت به سزایی دارد. از سوی دیگر به روی کار آمدن دولت راست‌گرای مورسیو ماکری پس از ۱۲ سال حاکمیت دولت چپ‌گرای کریشتر، اهمیت مطالعه و تحقیق در خصوص چرایی این تحول مهم سیاسی در آرژانتین را دو چندان می‌نماید. با توجه به جایگاه محوری و تاریخی آرژانتین از جمله به عنوان یکی از پیشروترین اقتصادهای منطقه در عصر پس از استعمار که مراحل متعددی از صعود و افول را در عرصه سیاست جهانی به خصوص در قرن بیستم پشت سر گذاشته است، مطالعه فرایند توسعه در آن و استخراج الگوهای تحول اقتصادی اتخاذ شده توسط دولت‌ها در این کشور می‌تواند در تبیین تأثیرات متقابل نظام اقتصاد جهانی بر یک اقتصاد در حال توسعه با پتانسیل‌های بسیار قابل توجه، و نیز در شناخت اقتصاد توسعه در کشورهایی با شرایط مشابه و نیز در فهم اقتصاد توسعه در

۱- استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی Ajili@atu.ac.ir

۲- دانش آموخته دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی

مجموعه ای از کشورهای امریکای لاتین راهگشا باشد. ضرورت پژوهش در خصوص تحولات سیاسی و اقتصادی در آرژانتین و سایر کشورهای بزرگ در آمریکای لاتین به دلیل اهمیت نقش و جایگاه تاریخی آنها در گذشته و خیزش مجدد برخی از آنها در دوره سیطره نولیبرالیسم، کمبود منابع و مطالعات نظام مند و روشمند فارسی در ارتباط با تحولات در آمریکای لاتین به خصوص بر پایه استفاده از منابع بومی و محلی، تفسیرهای دوگانه در خصوص آثار منفی یا مثبت جهانی شدن اقتصاد بر اقتصاد توسعه در این کشورها، اهمیت انجام مطالعات جدی در خصوص اقتصاد توسعه در این کشورها را دو چندان می نماید. دغدغه اصلی این نوشتار تعمق در نحوه تعامل و پیامدهای نظام اقتصاد جهانی بر نظام اقتصاد ملی و الگوهای توسعه دولتها در آرژانتین در بستری تاریخی و با تاکید بر تحولات چند دهه اخیر و حاکمیت نولیبرالیسم بر سیاست های توسعه دولتها در منطقه آمریکای لاتین است. فرضیه اصلی این نوشتار بر آن است که الگوهای دولتی توسعه در آرژانتین با مستثنی نمودن الگوی دولتی «کریشنریسمی» توسعه، همواره و عمیقاً از نوسانات حاکم بر نظام اقتصاد جهانی تبعیت نموده است.

واژگان کلیدی: آرژانتین، دولت، الگوهای توسعه، نظام اقتصاد جهانی، نولیبرالیسم

مقدمه

مطالعه اقتصاد توسعه در آرژانتین از جهات مختلف می تواند جالب توجه باشد. مطالعات مرتبط با توسعه در این کشور می توانند از زوایای مختلف تاریخی، سیاسی، اقتصادی و حتی اقتصاد سیاسی بین الملل انجام گیرند. این کشور می تواند هم از حیث مطالعات تاریخی و به عنوان یکی از پیشروترین و مترقی ترین اقتصادهای پس از عصر استعمار و هم به لحاظ فراز و فرودهای بسیار زیاد اقتصادی و سیاسی در قرن بیستم و تجربه طیف متنوعی از الگوهای توسعه اقتصادی نظیر تجربه اقتصاد لیبرال در اوایل قرن بیستم، اقتصاد حمایتگرانه پرونیستی و اقتصاد نولیبرال و همچنین اقتصاد توسعه پسانولیبرال موضوع مطالعه قرار گیرد. با توجه به تحولات سریع اقتصادی در عصر جهانی شدن اقتصاد و تجربه الگوهای مختلف توسعه در آرژانتین در ارتباط با نظام اقتصاد جهانی، تجربیات تاریخی آرژانتین می تواند برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه مفید فایده باشد. در همین ارتباط در سالهای اخیر آنچه که بیش از پیش بر اهمیت مطالعه بعد

توسعه اقتصادی و سیاسی در آرژانتین افزوده است. تثبیت اوضاع اقتصادی و سیاسی و عبور و گذار به نسبت سریع این کشور از دالان بحرانهای حاد اقتصادی و سیاسی و ورود به چرخه کشورهای جدیداً توسعه یافته^۱ است که البته همچنان با چالشهایی نیز روبروست. از این منظر مطالعه تحولات سیاسی و اقتصادی در آرژانتین می تواند در چارچوب اقتصاد توسعه صورت گیرد که در آن اهمیت توامان متغیرهای داخلی و خارجی توسعه مورد تاکید است. (Pee, Richard: 2009, p. 12) امروزه جایگاه اقتصادی آرژانتین با سالهای بسیار بحرانی ابتدای هزاره سوم تفاوت بسیار اساسی دارد (Vaccarezza, Federico, 2012, p. 2) ونحوه نیل به این جایگاه در خور تعمیق و واکاوی آکادمیکی است.

در بررسی سیر تاریخی اقتصاد توسعه در آرژانتین لازم است نیم نگاهی به تحولات سریع در اقتصاد توسعه آرژانتین تا قبل از سلطه الگوی نولیبرال توسعه انداخت تا در ک مناسبی از میزان تاثیرات نظام اقتصاد جهانی بر نظام اقتصاد ملی و اقتصاد توسعه در این کشور داشت. از این منظر در ک تحولات در نظام اقتصاد ملی این کشور می تواند به عنوان متغیری وابسته در مقابل نظام اقتصاد جهانی به عنوان متغیری مستقل در نظر گرفته شود.

به طور کلی تاریخ ۵۰۰ ساله اقتصاد آرژانتین را می توان در ۴ مرحله کلی عصر استعمار، عصر پس از استقلال، عصر شکوفایی اقتصادی در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ و عصر پر آشوب قرن بیستم و سالهای هزاره جدید تقسیم بندی کرد. (Rojas, Mauricio, 2003, p. 25) در این میان مطالعه الگوهای اقتصاد سیاسی توسعه در آرژانتین در قرن بیستم و پس از آن به دلیل تاثیر نوسانات ناشی از نظام اقتصاد جهانی بر آرژانتین یکی از جالب ترین و جذاب ترین مطالعات مرتبط با اقتصاد توسعه در جهان در حال توسعه خواهد بود.

در این مقاله سعی شده است با استفاده از الگوی کلی مبتنی بر اقتصاد توسعه طی دو قرن گذشته که شامل چهار الگوی بسیار کلی اقتصاد لیبرالی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، الگوی توسعه اقتصادی مبتنی بر اقتصاد حمایتگراییانه پس از جنگ جهانی اول، نظم برتن وودزی پس از جنگ جهانی دوم و سیطره اقتصاد نولیبرال در عصر جهانی شدن اقتصاد می باشد، نقاط عطف در اقتصاد سیاسی توسعه در آرژانتین را در هریک از این مقاطع مطالعه و آثار آن بر اقتصاد ملی

آرژانتین و الگوهای اتخاذ شده توسط دولت‌ها را مورد ارزیابی قرار داد. به این ترتیب در نوشتار پیش رو سعی شده است سیر تاریخی اقتصاد توسعه در آرژانتین به خصوص از منظر تاثیرات نظام اقتصاد جهانی بر نظام اقتصاد ملی که سرشار از فراز و فرودهای مختلف اقتصادی و سیاسی در طول قرن اخیر بوده است با تاکید بر تحولات چند دهه اخیر و با هدف درک بهتر پیامدهای نظام اقتصاد جهانی بر اقتصاد توسعه در این کشور مورد ارزیابی قرار گیرد.

• اقتصاد سیاسی توسعه در آرژانتین در عصر استعمار

آرژانتین تا قبل از آغاز عصر استعمار شامل سرزمین‌هایی بکر و بیکران و خالی از سکنه بود. این سرزمین با آغاز عصر استعمار در زمره آخرین قلمروهایی بود که توسط اسپانیایی‌ها در منطقه به اشغال درآمد.^۱ (George, Alberada, 2011, p.25-26) به این ترتیب عصر استعمار در آرژانتین کوتاه تر از عصر سیصد ساله استعمار در سایر کشورهای منطقه همچون مکزیک و برزیل بود. به دلیل قلت جمعیت بومی در منطقه، برخی از پژوهشگران مطالعات توسعه اطلاق نام مستعمره به این سرزمین را مورد تشکیک قرار داده اند چرا که بر خلاف مکزیک، کوبا یا کلمبیا، از ابتدا ساختار جمعیتی این کشور را عمدتاً مهاجران سفید پوست و اشغالگر اسپانیایی تشکیل دادند. (Wiarda, J. Howard, 2007, p.98) آرژانتین در دوران استعمار اسپانیا یک قطب اقتصادی به شمار نمی رفت (Rojas Mauricio, 2003, p.27) و اساساً نقطه آغاز تحقیق و مطالعه در خصوص اقتصاد توسعه در آرژانتین و ارزیابی تاثیرات نظام اقتصاد جهانی بر اقتصاد ملی در این کشور را باید در دوران پس از کسب استقلال کشور و به خصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم جست که طی آن آرژانتین به سرعت به بخش مهمی از نظام اقتصاد جهانی تبدیل گردید.

۱- در سال ۱۵۸۰ اشغالگران اسپانیایی وارد بوینوس آیرس شده و نخستین سنگ بنای این مستعمره نشین را برپا نمودند. سرزمین آرژانتین در میان نواب سلطه ۵ گانه در سرحدات نایب السلطنه ریودلاپلاتا قرار داشت که بخشهای وسیعی از آرژانتین و شیلی امروز را در بر می گرفت. برای مطالعه بیشتر رک به:

• اقتصاد سیاسی توسعه در آرژانتین در سده پس از استقلال (۱۸۱۰-۱۹۱۶)

در این دوره که شامل تمام قرن نوزدهم و بخشی از قرن بیستم می شود ساختارهای اقتصادی و سیاسی آرژانتین به طور کامل شکل می گیرد. این دوره را می توان به طور مشخص به دو دوره هرج و مرج ناشی از استقلال در نیمه اول قرن نوزدهم و اولیگارشلی لیبرالها در نیمه دوم قرن نوزدهم و تا پیش از جنگ جهانی اول تقسیم نمود که در آن آرژانتین در همگرایی با نظام اقتصاد جهانی، خیز یا جهش اصلی را به سوی کشوری توسعه یافته و مدرن برداشت، تا جایی که به دلیل توسعه سریع اقتصادی و صنعتی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، این کشور لقب «موتور اقتصادی قاره امریکای لاتین» را به خود گرفت.

(Vaccarezza, Federico. 2012, p.4)

پس از کسب استقلال از اسپانیا در سال ۱۸۱۰ و تشکیل دولت مدرن وستفالیایی و از جمله گذار از دوران به نسبت پر آشوب پس از استقلال از جمله دعوای سیاسی میان محافظه کاران و لیبرالها، با تدوین یک قانون اساسی لیبرال و برگرفته از قانون اساسی امریکا در سال ۱۸۵۲، آرژانتین نخستین گام مهم در توسعه اقتصادی و سیاسی خود را برداشت (Cordera

Rolando, 2014, p.46) به طوری که از سال ۱۸۱۰ تا ۱۸۵۰ و به رغم بی ثباتی های سیاسی صادرات محصولات دامی به عنوان بخش دارای مزیت اقتصادی کشور سالیانه بین ۳ تا ۴ درصد افزایش یافت. با توسعه روابط بازرگانی با بریتانیا و فرانسه در نظام پکس بریتانیکا این رشد از سال ۱۸۵۰ تا سال ۱۸۷۰ به رقم ۷ تا ۸ درصد رسید که انقلابی در توسعه اقتصادی آرژانتین بود.

(Valerino, F. Garcia, 2000, 57). توسعه و رشد اقتصادی در آرژانتین در این مقطع به

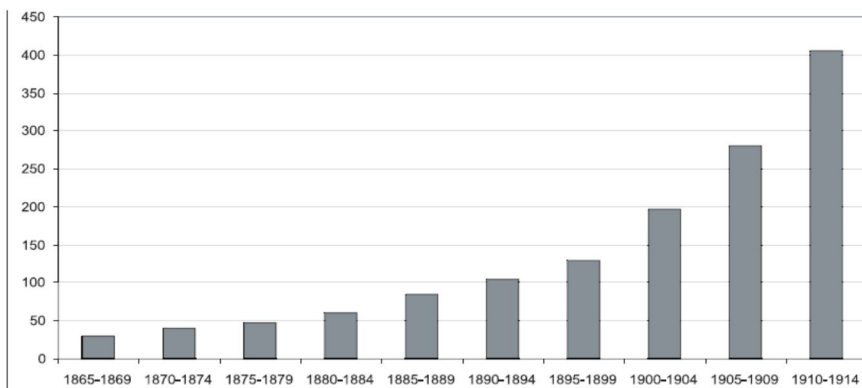
حدی بود که از این کشور به عنوان «ایالات متحده امریکای لاتین» نیز یاد می شد.

(<https://es.wikipedia.org/Argentina>)

جاذبه های اقتصادی آرژانتین موجی از مهاجران خارجی اروپایی را در طول این سالها روانه این کشور نمود که آرژانتین را آمریکای دیگری در جنوب تلقی می کردند و از این حیث تاریخ توسعه اقتصادی در این سرزمین را تا حدودی می توان ادامه تجربه اقتصادی و صنعتی اروپای اواخر قرن ۱۹ دانست که به شدت تحت تاثیر هژمونی اقتصادی امپراطوری بریتانیا قرار داشت.

افزایش سرمایه گذاری های مستقیم بریتانیا در آرژانتین در طول این دوره که میزان آن به حدود ۴۵۰ میلیون پوند تا سال ۱۹۱۴ رسید، به منزله انقلاب اقتصادی و منبع اصلی تحرک در توسعه صنعتی کشور به شمار می رفت.^۱ (<http://historiapolitica.com>) اساس رشد اقتصادی آرژانتین در این دوره در نتیجه راهبرد صادرات محصولات کشاورزی و دامی به اروپا به خصوص به بریتانیا و فرانسه رقم خورد.^۲

جدول شماره (۱)- جهش صادراتی آرژانتین تا پیش از جنگ جهانی اول (ارقام به میلیون پزوی طلا)



Source: Historia de la crisis argentinap23

جدول ۱ سیر صعودی و شتابان صادرات آرژانتین را به خصوص در دوره پیش از جنگ جهانی

۱- در این زمان دو سوم از سرمایه خارجی وارداتی به این کشور را سرمایه های بریتانیایی تشکیل می دادند به طوری که تا سال ۱۸۹۰ آرژانتین به تنهایی ۴۰ تا ۵۰ درصد از کل سرمایه گذاری بریتانیا در خارج از این کشور را به خود اختصاص داده بود.

برای مطالعه بیشتر رک به:

Wiarda, J. Howard, K. line, F. Harvey, "Latin American Politics and Development", West view press, 2007.

۲- توسعه تجارت خارجی با بریتانیا و صادرات محصولات دامی و کشاورزی به این کشور همراه با سرمایه گذاری بریتانیا در آرژانتین، محور رشد اقتصادی در این دوره بود. آرژانتین که تا سال ۱۸۷۵ یک وارد کننده گندم بود، در سال ۱۹۰۳ توانست بیش از ۲/۷ میلیون تن گندم صادر نماید. سودآوری بخش کشاورزی و دام آرژانتین به سرعت به سایر بخشهای اقتصادی و از جمله راه آهن تسری یافت. تا سال ۱۸۸۵، ۴۳۰۰۰ کیلومتر راه آهن در کشور احداث شده بود که در تمام منطقه بی رقیب بود.

برای مطالعه بیشتر رک به:

Valerino, F. Garcia, Para Entender La economica Politica, Centro de Estudios Monetarios latin Americanos, 2000.

اول نشان می دهد. بر این اساس در دو دهه اول قرن بیستم صادرات آرژانتین به بیش از دو برابر افزایش یافت. در سال ۱۹۱۴، سرانه درآمد آرژانتین با آلمان و فرانسه برابری می نمود و از ایتالیا و اسپانیا بسیار جلوتر بود. در این زمان آرژانتین سهمی معادل ۱/۲ از تولید اقتصاد جهانی^۱ را به خود اختصاص می داد. (Rojas Mauricio, 28-32) در دوره بیست ساله از ۱۸۷۰ تا ۱۸۹۰ آرژانتین از نرخ رشد سالیانه معادل ۶/۷ در صادرات خود برخوردار گردید و متوسط نرخ رشد صنعتی نیز به رقم ۹/۶ رسید که در تمام امریکای لاتین بی رقیب و بی نظیر بود و بیشتر به یک معجزه اقتصادی شباهت داشت.^۲ آرژانتین در طول سه دهه نخست قرن نوزدهم به لحاظ افزایش جمعیت، سرانه درآمد و رشد اقتصادی کانادا و استرالیا را که سرزمینهای مهاجر پذیری بودند پشت سر نهاد و تا سال ۱۹۱۳ در میان ده کشور نخست ثروتمند جهان قرار گرفت. (Madison, Angus, 2010, p.217) به عبارت دیگر آرژانتین در این زمان از موقعیتی کاملا محوری در اقتصاد جهانی برخوردار بود و شهروندان آرژانتینی از درآمدی همسان با اقتصادهای طراز اول آن زمان در اروپا و امریکای شمالی برخوردار بودند. با این حال این شکوه اقتصادی که تا اندازه زیادی در نتیجه وابستگی به هژمونی اقتصادی بریتانیا به دست آمده بود، دیری نپایید و تغییرات در صحنه بین المللی از جمله جنگ جهانی اول و زوال اقتصادی انگلستان، تغییرات در الگوی توسعه اقتصادی و سیاسی در آرژانتین را نیز در پی داشت (2012, p.33-34, Vaccarezza, Federico). این چرخش سیاسی که ناشی از تغییرات در صحنه اقتصاد جهانی بود، اقتصاد توسعه در آرژانتین را بتدریج به سوی سراسیمه سوق داد که به منزله خاتمه دوران شصت ساله اولیگارشلی لیبرال و دوره توسعه و رشد سریع اقتصادی در آرژانتین بود که هرگز در این کشور تکرار نگردید.

• افول تدریجی دوران شکوه اقتصادی (از رادیکالیسم تا پرونیسم ۱۹۱۶-۱۹۴۶)

دوران حکومت دولت رادیکالها از ۱۹۱۶ تا سال ۱۹۳۰ اقتصاد آرژانتین همزمان با تحولات

۱ - World economic output

۲- از سال ۱۹۰۶ آرژانتین وارد «بازار جهانی اوراق قرضه»^۲ گردید که در آن زمان فقط به چند قدرت بزرگ اقتصادی جهان اختصاص داشت. در سال ۱۸۷۶ نرخ دستمزدها در آرژانتین معادل هفتاد و شش صدم (۷۶٪ درصد) دستمزد شهروندان بریتانیایی بود و تا سال ۱۹۱۰ به سطح ۹۶ درصد دستمزدها در بریتانیا و حتی بیش از آمریکا افزایش یافت. برای مطالعه بیشتر رک به:

همچون جنگ بین الملل اول، فروپاشی تدریجی امپراتوری اقتصادی انگلیس و اتخاذ سیاستهای انقباضی از سوی بریتانیا و نهایتاً رکود بزرگ ضربات سهمگین متعددی دریافت نمود.^۱ (Cardoso, Fernando Henrique, 1977, p. 112) از این زمان تا ظهور الگوی پرونیستی توسعه موجی از کودتاها و انتخابات نمایشی پی در پی در صحنه سیاسی آرژانتین روی داد که در تاریخ سیاسی این کشور به «دوره بدنامی» شهرت یافته است. (Haber, Stephen, 1997, p. 26).

به لحاظ اقتصاد توسعه در این مقطع آرژانتین نیز همچون سایر اقتصادهای مهم منطقه نظیر مکزیک و برزیل مدل توسعه بر اساس راهبرد جانشینی واردات را به عنوان راهکاری در برابر بسته شدن بازارهای بین المللی بزرگ برگزید. اساساً در این زمان به دلیل فقدان یک رژیم اقتصادی بین المللی لیبرال همانند گذشته کشورهای آمریکای لاتین همچون آرژانتین چاره ای جز روی آوردن به بازار داخلی و الگو برداری از سیاست های جانب تقاضا یا کینزی نداشتند. به این ترتیب با بسته شدن هر چه بیشتر نظام اقتصاد جهانی به دلیل سلطه تدریجی الگوهای حمایتگرایی، نظام اقتصادی در آرژانتین نیز به شدت به سمت همین الگو تحول یافت که نتیجه آن به حاشیه رفتن بیشتر اقتصاد این کشور وافول تدریجی توسعه اقتصادی آرژانتین بود که البته این اتفاق تقریباً برای همه کشورهای درگیر با رکود بزرگ رخ داده بود. این الگو با ظهور پرون بیش از پیش سبب دور شدن آرژانتین از نظام اقتصاد جهانی شد.

• از ظهور الگوی پرونیستی توسعه تا زوال کامل سیاسی و اقتصادی آرژانتین (۱۹۴۶-۱۹۷۶)

بررسی و تحلیل تاریخ اقتصادی و سیاسی آرژانتین در عصر پرونیسم بخش لاینفکی از هر تحقیق و مطالعه ای در خصوص ریشه های وضعیت سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه معاصر آرژانتین

۱- در اثر اعمال سیاست های حمایتگراییانه توسط بریتانیا از دهه ۲۰ و متعاقب آن رکود بزرگ و سقوط بازارهای جهانی، صادرات آرژانتین از ۱۵۲۷ میلیون دلار در سال ۱۹۲۹ به حدود یک سوم یا ۵۶۲ میلیون دلار در سال ۱۹۳۲ کاهش یافت و نرخ بیکاری نیز با افزایش شدیدی روبرو شد. پیامد فوری این بحران اقتصادی، سرنگونی حکومت ایری گوین و پایان دوران رادیکالها از طریق کودتای نظامی بود. برای مطالعه بیشتر رک به:

است.^۱ در طول دوران سی ساله ظهور و سقوط پرونیسم، آرژانتین رفته رفته با زوال سیاسی و اقتصادی بیشتری رو به رو شد و از موقعیت ممتاز خود در نظام اقتصاد جهانی نزول نمود. در این دوره طولانی مدت که اقتصاد توسعه در آرژانتین فراز و نشیب های زیادی را به خود دید آرژانتین بر خلاف دوره توسعه اقتصادی خود در اوایل قرن بیستم هیچ نفعی از ترتیبات اقتصادی نظم برتن وودزی نبرد و هر چه رقابت های جنگ سرد در منطقه تشدید می شد اقتصاد این کشور نیز بیشتر به حاشیه می رفت به طوری که نهایتاً در پایان این سی سال، آرژانتین هم از دستاوردهای دموکراتیک خود عقب نشینی بیشتری نموده بود و هم از لحاظ اقتصادی بیش از پیش از نظام اقتصاد جهانی فاصله گرفته بود (Lodola, German, 2010, p.44) سیاستهای اقتصادی پرون اساساً چپگرایانه و مبتنی بر راهبرد نگاه به درون بود و حتی در دولتهای نظامی که در میانه سقوط و ظهور مجدد او بر سر کار آمدند، شالوده الگوی فوق حمایتگرایانه پرونیستی^۲ توسعه تغییری نکرد.^۳ نگاهی به جدول شماره (۲) که نتیجه اتخاذ مدل راهبرد توسعه جانشینی واردات را در قالب شاخص صادرات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی به تصویر کشیده است در این خصوص خود گویاست. بر این اساس در حالی که تا سال قبل از رکود بزرگ سهم صادرات از GDP آرژانتین ۳۰ درصد بود این مقدار تا سال ۱۹۵۵ به کمتر از ۱۰ درصد رسید.

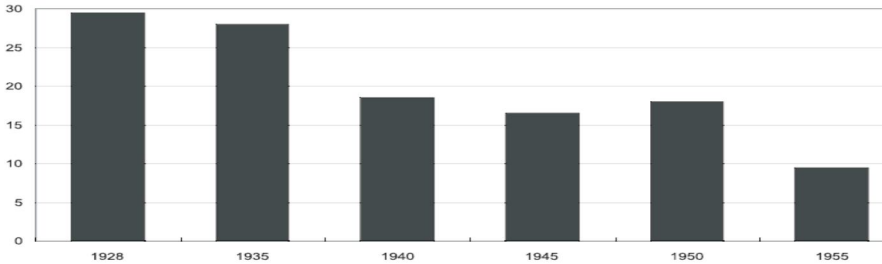
۱- پرون از از معدود رهبران آرژانتینی بود که خصلتی کاریزماتیک در نزد طبقات کم بضاعت و به خصوص کارگران یافت و توانست توده های مردم را بسیج نماید. همسر نخست وی «اویتا پرون» و سپس همسر بعدی او «ایزابل پرون» نیز جزو معدود زنان آرژانتینی بودند که تا قبل از ظهور کرسیتینا فرناندز، رئیس جمهوری کنونی آرژانتین، توانستند نقش مهمی در صحنه سیاسی این کشور ایفا نمایند. برای مطالعه بیشتر رک به:

http://www.columbia.edu/~lnp3/mydocs/state_and_revolution/Juan_Peron.htm
۲-Pronistic Pattern

۳- او برای اطمینان از مطیع بودن طبقه کارگر «کنفدراسیون عمومی کارگران» یا CGT را تاسیس نمود تا انحصار کنترل به روی اتحادیه های کارگری را نیز در دستان خود داشته باشد. وی همچنین با تغییر نام حزب کارگر به «حزب پرونیست» شیوه استبدادگرایانه و انحصار طلبانه خود در کسب قدرت بیش از پیش به نمایش گذاشت. برای مطالعه بیشتر رک به:

https://es.wikipedia.org/wiki/Juan_Domingo_Per%C3%B3n

نمودار شماره (۱) - صادرات به عنوان درصدی از تولید
ناخالص داخلی در آرژانتین پس از انتخاب راهبرد جانیشینی واردات



Source: <http://html.rincondelvago.com/politica-economica-argentina>

سیاستهای فوق حمایتگرایانه پرون سبب شد تا صنایع این کشور ناکارآمد، مبتنی بر یارانه دولتی و در بازارهای بین المللی غیر رقابتی باشند. او در طول دوران پر نوسان زمامداری خود آرژانتین را به «کشوری شبه سوسیالیستی و کوریوریستی»^۱ تبدیل نمود. (www.cepal.org)

میراث سیاسی و اقتصادی سال های اوج پرونیسم یک بوروکراسی عظیم دولتی با خزانه تهی و توقعات بسیار بالای طبقات کارگری بود که به مهمترین مانع ثبات و آرامش اقتصادی در آرژانتین در سالهای بعد تبدیل گردید...الگوی پرونیستی توسعه سعی نمود تاثیرات نظام اقتصاد جهانی بر نظام اقتصاد ملی را به حداقل برساند و دستاوردی به جز انزوای اقتصادی و کاهش درآمدهای شهروندان آرژانتینی و به حاشیه رفتن بیشتر آرژانتین از نظام اقتصاد جهانی نداشت. به عنوان نمونه در حالی که تا سال ۱۹۶۵ سرانه تولید ناخالص داخلی در آرژانتین از ژاپن، اسپانیا و ایرلند نیز بیشتر بود، این مقدار تا سال ۱۹۸۰ تا ۳ برابر در مقابل میزان متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی هر سه کشور افت نموده بود (Sanchez, Omar, 2003, p.118-119)

با نگاهی به شاخصه های اقتصادی آرژانتین در دوران حکومت پرون و مقایسه آن با سه یا چهار دهه قبل از آن که آرژانتین روابط اقتصادی گسترده ای با جهان توسعه یافته داشت به خوبی میزان افول بی سابقه روند توسعه اقتصادی در این کشور و نتایج اتخاذ راهبرد توسعه حمایتگرایانه قابل درک است. به این ترتیب در حالی که پرونیسم همواره تداعی کننده نام

آزادی و استقلال در آمریکای لاتین بوده است با این حال پرونیسم عامل اصلی در جهت انزوای اقتصادی بیشتر آرژانتین و از لحاظ تکوین الگوهای توسعه سیاسی و اقتصادی این کشور به منزله بازگشت به عقب بود.

الگوی توسعه دولت میلیتاریستی پس از پرونیسم (۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳)

پس از الگوی توسعه پرونیستی که به منزله عقب نشینی آرژانتین از دوران با شکوه اقتصادی خود بود، متغیر کلان تحولات بین المللی و از جمله جنگ سرد نیز در افول بیشتر اقتصادی و سیاسی آرژانتین در دوران پس از پرون موثر بود و با کودتای ژنرال بیدلا علیه ایزابل پرون طومار پرونیسم در هم پیچیده و یک دولت نظامی دست راستی به غایت دیکتاتوری در این کشور بر سر کار آمد. (Spiller, Pablo, 2010, p. 188) در طول ۷ سال حکومت نظامیان مخوف ترین دوره تاریخ سیاسی در آرژانتین از استقلال این کشور به بعد رقم خورد و بدترین خشونت‌های سیاسی در این کشور در این دوره تجربه شد. در این مقطع نظامیان سعی نمودند، نسبت به پرونیسم زدایی کامل از آرژانتین نهایت تلاش خود را به عمل آورند.^۱ (79-78 Lodola, German, 2010, p. نیافتند. اگرچه نظامیان آرژانتینی سعی در باقی نگاه داشتن آرژانتین در قالب نظام سرمایه داری جهانی داشتند، اما آنها از لحاظ اقتصاد توسعه در جدا نمودن آرژانتین از الگوی توسعه پرونیستی ناکام ماندند. از سوی دیگر وضعیت بسیار بد اقتصادی و مشکل تورم حاد و افزایش بدهی های خارجی آرژانتین که در اوایل دهه ۸۰ از ۳۵ میلیارد دلار فراتر می رفت و بیش از سه چهارم تولید ناخالص داخلی کشور را در بر می گرفت، نظامیان را در دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود ناکام ساخت. (Delcarmen, Maria, 2011, p. 31) جدول شماره (۲) نرخ

۱- این دوره شامل حکومت بیدلا تا سال ۱۹۸۱ و پس از آن چهار ژنرال دیگر ارتش (ژنرال ویولا، ژنرال گالتیری، ژنرال آلفردو سنت خوان، ژنرال بیگنون) تا سال ۱۹۸۳ بود. در این دوران یک حکومت نظامی توتالیتر در کشور برقرار بود که در نتیجه آن از دهه ۶۰ تا اواخر دهه ۷۰ بیش از ۳۰ هزار نفر از فعالان سیاسی مخالف دولت ترور، شکنجه و یا ناپدید شدند که بیشتر آنها در حکومت بیدلا رخ داد. اصطلاح «گمشدگان» یا «Desaparecidos» که اصطلاحی کاملاً رایج در ادبیات سیاسی آرژانتین است نیز به همین قربانیان اشاره دارد که در این سرکوبها کشته و یا ناپدید شدند. برای مطالعه بیشتر رک به: <http://www2.me.gov.ar/efeme/24demarzo/dictadura.html>

سرسام آور و غیر قابل کنترل تورم در اواخر دهه ۷۰ و اوائل دهه ۸۰ را که در آن نرخ متوسط تورم سالیانه تا ۱۵۰ درصد می رسید به تصویر می کشد. نتیجه این تورم حاد بحران و آشوب اقتصادی در آرژانتین بود. این وضعیت در کنار افزایش روز افزون بدهی های خارجی و سقوط شدید ارزش پزو^۱ به همراه تجربه ناخوشایند درگیری در مالویناس با انگلستان زمینه های سقوط کامل اقتصادی و سیاسی در آرژانتین را فراهم نمود که نتیجه آن تغییرات بنیادین در راهبرد توسعه اقتصادی و حتی سیاسی در این کشور بود.

جدول شماره (۲)- نرخ سالیانه تورم در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰

سال	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲
نرخ تورم	۱۷۶	۱۷۶	۱۶۰	۱۰۱	۱۰۵	۱۶۵

Source: http://historiapolitica.com/datos/boletin/polhis7_mazzei.pdf

تغییر الگوهای توسعه دولت به الگوهای نولیبرالیستی از دهه ۸۰ میلادی

همانگونه که گفته شد اوضاع وخیم اقتصادی و سیاسی در اوایل دهه ۸۰ در مجموع شرایطی فراهم نمود که منجر به تغییر پارادایم توسعه اقتصادی در این کشور به ویژه تحت تاثیر تغییرات در نظام اقتصاد جهانی شد و متعاقب آن سایه ۳۰ سال الگوی توسعه اقتصادی حمایتگرایانه یا پرونیستی از آرژانتین رخت بر بست و این کشور سیاستهای آزاد سازی اقتصادی یا رویکرد «نولیبرالی اجماع واشنگتن» را برای توسعه اقتصادی در پیش گرفت که این سیاست ها به مدت دو دهه و تا روی کار آمدن دولتهای کرسنر در اوایل هزاره سوم، حاکم بود. (Jaime Ortega Reyna, 2011, p.144) به این ترتیب از اوایل دهه ۸۰ و به خصوص از سال ۱۹۸۲ به این سو برای درک الگوی توسعه اقتصادی در آرژانتین و کم و کیف تاثیرات اقتصاد جهانی بر اقتصاد

۱- در اوایل دهه ۸۰ و همزمان با به روی کار آمدن دولت آلفونسین بدهی های خارجی دولت به حدود ۶۰ میلیارد دلار بالغ گردیده بود. در سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ ارزش پول ملی کشور کاهش شدیدی یافت و از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱ بدهی خارجی آرژانتین به بیش از سه برابر افزایش یافت. برای مطالعه بیشتر رک به:

ملی آرژانتین تا زمان حاضر باید سیاست های اقتصادی دولتهای دوره پس از حکومت نظامیان شامل دولتهای آلفونسین، منم و کریشورها را مورد واکاوی قرار داد که سهم اصلی را در تکوین الگوهای اقتصاد توسعه در آرژانتین در سه دهه اخیر بر عهده داشته اند. پیش از آن لازم است برای داشتن درکی نظری از تحولات اقتصادی آرژانتین در این دوره پیش از پرداختن به نحوه مدیریت اقتصادی و تاثیرات سیاست های جدید نولیبرالی، نگاهی اجمالی به مبانی نظری الگوی نولیبرالی توسعه بیاندازیم.

تغییر راهبرد حمایتگرایانه به راهبرد نولیبرال

در ابتدای دهه ۸۰ شرایط بحرانی و حاد اقتصادی و سیاسی، دولت نظامیان را وادار به تغییرات اساسی و پارادیمی در اتخاذ راهبرد جدید توسعه در آرژانتین مکزیک از طریق اتخاذ یک «الگوی نولیبرالی توسعه» و آزاد سازی تجاری و اقتصادی نمود که برگردانی از سیاست های موسوم به «اجماع واشنگتن» بود. به طور کلی نولیبرالیسم در اقتصادسیاسی توسعه بیشتر معطوف به اجرای سیاستهای توسعه اقتصادی بر اساس سیاست های موسوم به «اجماع واشنگتن» و دکترین «سیاستهای تعدیل ساختاری» و با هدف رسیدن به اقتصادی آزادتر، غیر دولتی تر و بازار محور تر است. در حوزه اقتصاد توسعه، نولیبرالیسم به نوعی بازگشت به لیبرالیسم کلاسیک یا تخطی از اصول اقتصادی مبتنی بر کنزینیزم و پایان دولت رفاهی نیز توصیف شده است. (Baylis, John, 2007, p.338) این بازگشت در دوران جهانی شدن اقتصاد به معنای افزایش اهمیت و نقش متغیرهای بین المللی توسعه اقتصادی و از جمله محوری بودن توسعه بازار جهانی مبادلات کالا و خدمات و افزوده شدن بازارهای مالی به آن است. از لحاظ آکادمیکی نیز تاسیس مکتب شیکاگو به رهبری میلتون فرید من^۱ در اواخر دهه ۷۰ به طور رسمی مدعی

۱- در ادبیات اقتصادی سالهای اخیر اما میلتون فریدمن استاد اقتصاد دانشگاه شیکاگو ۱۹۱۲-۲۰۰۶ از لحاظ تاثیر گذاری روی دولت ریگان و بازسازی نظم اقتصادی لیبرال در جهتی نولیبرال به عنوان آنچه مفهوم نولیبرالیسم اقتصادی شناخته شده است چهره محوری و سرشناسی به شمار می رود. او رهبر «مکتب اندیشه اقتصادی پولی» نیز بود. فریدمن سیاستهای مالی برای مدیریت تقاضا توسط دولتها را رد کرد و نقش دولتها را منحصر به تنظیم نرخ های بهره توسط بانکهای مرکزی نمود. فریدمن بر ایجاد بازارهای رقابتی و ابتکارات فناوری تاکید داشت. این طرز تلقی راستگرایانه از اقتصاد در خود امریکا پس از کنزینیزم کم نظیر بود و «مکتب شیکاگو» را در محور نولیبرالیسم اقتصادی قرار داد. برای مطالعه بیشتر رک به:

انقضای کینزینیزم در محافل دانشگاهی و رویکردی نو به سیاستهای اقتصاد جهانی بود و ایدئولوژی نولیبرالیسم در قانون آن قرار داشت. (Manfred B. Steger, 2010, p.33) (که البته در عمل چنین اتفاقی رخ نداد) سیاست های اقتصادی نولیبرال در جهان در حال توسعه به رغم پیچیدگی های نظری خود اما به طور خلاصه عمدتاً معطوف به خصوصی سازی گسترده، دولت رفاهی مینیمم یا حداقلی، کاهش ارزش پول ملی جهت ورود سرمایه های بین المللی و رفع تعرفه های تجاری بوده است و از لحاظ نظری در جهان توسعه یافته تر به نوعی آنتی تز در برابر کینزینیزم حاکم بر نظام اقتصاد جهانی پس از نظم برتن وودزی تعبیر شده است. (Pee, Richard, 2009, p.160) در این میان نسخه نولیبرالی توسعه برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه همچون آرژانتین مکزیک به معنای کنار گذاشتن الگوی حمایتگرایانه کینزی و باز نمودن اقتصاد ملی بود.

برای نخستین بار این جان ویلیامسون^۱ پژوهشگر انستیتو اقتصاد بین الملل بود که در اوایل دهه ۸۰ این اصطلاح را در اشاره به سیاستهای اقتصادی به کار برد که در ابتدا به عنوان مجموعه ای از توصیه های نهادهای مالی و پولی بین المللی برای کشورهای فوق العاده بدهکار آمریکای لاتین رایج شده بود. (Baylis, John, 2007, p.339) با برگزاری کنفرانس کانکون در سال ۱۹۸۱، ایدئولوژی نولیبرالیسم اقتصادی همزمان با به روی کار آمدن دولتهای راستگرا در آمریکا، انگلستان و آلمان غربی نه تنها زمینه های اجرای سیاستهای توسعه ای موسوم به اجماع واشنگتن را در کشورهای کمتر توسعه یافته فراهم نمود، بلکه بیش از پیش با تغییر نقش و کارکرد نهادهای مالی و پولی بین الملل و تبدیل آنها به آژانسهای توسعه ای به تعمیق جریان جهانی شدن اقتصاد به خصوص در کشورهای کمتر توسعه یافته منجر شد. ویلیامسون سیاستهای اجماع واشنگتن را شامل سیاستهای عمده ذیل می دانست:

۱- نزاکت مالی^۲ - کاهش هزینه های عمومی و حذف یارانه های دولتی ۳- اصلاحات مالیاتی (کاهش مالیات ثروتمندان برای تسریع در انباشت اولیه) ۴- جهت بخشی بازاری به نرخ های بهره به جای جهت بخشی دولتی ۵- نرخهای مبادله ای رقابتی ۶- آزاد سازی تجاری ۷- تشویق

۱ - John Williamson

۲ - Fiscal Discipline

سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان منابع اصلی سرمایه و فناوری ۸- خصوصی سازی ۹- حذف نظارت یا نظارت زدایی ۱۰- تامین حقوق مالکانه و تضمین مالکیت خصوصی ۱۱- کاهش ارزش پول ملی برای توسعه صادرات بر اساس راهبرد توسعه صادرات ۱۲- تسهیل واردات کالا و خدمات از طریق نهادهای منطقه ای و جهانی مسئول. (Pee, Richard, 2009, p. 161-163)

فرایند توسعه در دولت «رافائل آلفونسین» (۱۹۸۳م)

انجام اصلاحات نولیبرالی با طبع و سرشت حکومت دیکتاتوری نظامیان همخوانی نداشت و تغییرات در صحنه اقتصادی نیازمند تغییرات در صحنه سیاسی نیز بود که در آرژانتین نیز منجر به به قدرت رسیدن دولت دموکراتیک و غیر نظامی آلفونسین از حزب رادیکال در سال ۱۹۸۳ شد. (<https://es.wikipedia.org>) با انتقال حکومت به یک حکومت دموکراتیک همزمان با اجرای سیاستهای نولیبرالی در سایر کشورهای آمریکای لاتین، اجرای این سیاستها در دستور کار دولت «رافائل آلفونسین»^۱ هم قرار گرفت.^۲ (Sanchez, Omar, 2003, p. 123) از لحاظ اقتصادی وضعیت آرژانتین نیز همانند همه اقتصادهای لاتین در دهه ۸۰ وضعیت بسیار اسفناکی بود و میراث اقتصادی برجای مانده از دوره نظامیان سبب تنزل شدید جایگاه اقتصادی این کشور گردیده بود، لذا دولت به سرعت زمینه های چرخش اقتصادی به سوی یک اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و اجرای سیاستهای نولیبرالیستی را فراهم نمود. آلفونسین برنامه اصلاحات اقتصادی خود را در قالب برنامه های ریاضت طلبانه اقتصادی موسوم به «پلن د آستریداد»^۳ ارائه نمود که شکلی محلی از اجرای سیاستهای نولیبرالی داشت و هدف عمده آن کاهش هزینه های دولتی و کوچک کردن حجم عظیم بوروکراسی دولتی بود. (Haber, Stephen, 29) به علاوه تورم شدیدی که از سال ۱۹۷۵ سبب رشد سرسام آور قیمتها در آرژانتین شده بود مهمترین بحران

۱- Rafael Alfonsin

۲- انتخاب آلفونسین به مقام ریاست جمهوری از حزب رادیکال نقطه عطفی در تحولات سیاسی و اقتصادی آرژانتین به شمار می رود چرا که پس از کناره گیری نظامیان برای نخستین بار در انتخاباتی آزاد پرونیستها نتوانستند توفیقی از آن خود نمایند. احقاق حقوق سیاسی و مدنی ملت و تلاش برای خروج از بیدادگاه نظامیان و تشکیل یک کمیسیون تحقیق و تفحص به جنایات ارتکاب شده توسط نظامیان، از دستاوردهای مهم دوران صدارت آلفونسین بود. برای مطالعه بیشتر رک ب:

https://en.wikipedia.org/wiki/Ra%C3%BAI_Alfons%C3%ADn

۳- Plan de Austeridad

اقتصادی دولت آلفونسین بود. به علاوه دیون خارجی آرژانتین که تا سال ۱۹۸۹ به بیش از ۶۳ میلیارد دلار می رسید، (<http://historiapolitica.com>) همچنان یکی از بزرگترین چالشهای این کشور بود که بدون مهار آن امکان توفیقی در صحنه اقتصادی نبود.

هر چند آرژانتین بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ دو دوره کاملاً متفاوت از لحاظ سیاسی را تجربه نمود اما یکی از بدترین دوران اقتصادی آرژانتین در همین ۱۵ سال رقم خورد، که ناشی از تغییرات اساسی در اقتصاد توسعه در کشور و در نتیجه تغییرات پارادایماتیک بود. بر اثر این سیاستها سرانه درآمد ها در این کشور بیش از ۲۰ درصد نسبت به دهه ۷۰ سقوط کرد و در حالی که در اوایل دهه ۷۰ هنوز سرانه در آمد در آرژانتین دو برابر مکزیک، سه برابر شیلی و سه برابر برزیل بود، این تفاوت در سال ۱۹۹۰ فقط مقداری جزئی بود. میزان درآمدها و شاخص های صنعتی آرژانتین در اواخر دهه ۸۰ با شاخص های این کشور در سال ۱۹۴۰ برابری می نمود و این به این معنی بود که آرژانتین در تاریخ توسعه ۵۰ ساله خود هیچ توفیق اقتصادی نداشته است، (Valerina, Garcia, 2000, p., 97-99)

به طور کلی دولت آلفونسین «دولت گذار»^۱ در آرژانتین بود. گذار از یک نظام اتوکراتیک نظامی به یک دموکراسی مبتنی بر انتخابات آزاد و یک اقتصاد دولتی بحران زده به اقتصادی بازار محور و متصل به نظام اقتصاد جهانی بر اساس منطق سیاست های نولیبرال. به همین دلیل است که این دهه در ادبیات سیاسی و اقتصادی آرژانتین نیز به دهه از دست رفته آرژانتین شهرت یافته است. (Delcarmen, Maria, p. 42-43) با این حال میراث بجای مانده از آلفونسین میراث ارزشمندی بود و آرژانتین توانست در دوران ریاست جمهوری او گامهای مهم و اساسی هم در مسیر بازسازی روابط اقتصادی آرژانتین با نظام اقتصاد جهانی بردارد و هم در مسیر توسعه سیاسی و برخورداری از حکومت قانون گام بردارد که در نتیجه آن تا سال ۹۰ اوضاع بهبود اندکی یافت.

فرایند توسعه در دولت «کارلوس منم» (۱۹۹۱ م)

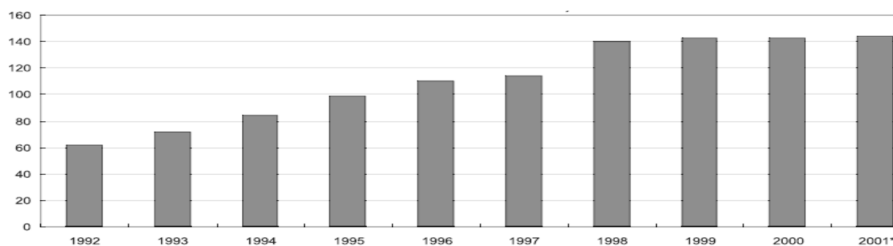
دوره ۸ ساله ریاست جمهوری کارلوس منم^۱ را باید دوره ثبات اقتصادی آرژانتین و تحکیم اجرای سیاستهای اقتصادی نولیبرال پس از گذر از دهه بحرانی و انتقالی ۸۰ و دولت آلفونسین دانست. اگر چه در دوره منم تورم نهایتاً مهار شده و ثبات اقتصادی خوبی به وجود آمد اما این دوره با ثبات درانتها پایان خوشی نداشت و بزرگترین بحران مالی و اقتصادی معاصر در تاریخ اقتصادی آرژانتین را رقم زد. دولت منم برای تثبیت سیاستهای پولی، سیاست برابری نرخ پزو و دلار موسوم به «تبدیل پذیری»^۲ را در پیش گرفت که در نتیجه آن هر پزوی آرژانتین معادل یک دلار آمریکا اعلام شد و همچنین در کنار آن سیاستهای نولیبرالیستی اقتصادی نظیر خصوصی سازی شرکتهای بزرگ دولتی و کوچک نمودن حجم دولت را اجرا نمود. اقدامات منم باعث شد تا متوسط نرخ رشد اقتصادی در دوران ریاست جمهوری او به بالای ۵ درصد برسد که در طول تاریخ ۷ دهه توسعه اقتصادی آرژانتین بی نظیر بود و در حالی که در سال ۱۹۸۹ و در ابتدای ریاست جمهوری او نرخ رشد اقتصادی به منفی ۷/۵ می رسید، این مقدار با سرعتی حیرت آور در سال ۱۹۹۱ به حدود ۱۳ درصد افزایش یافت. (www.cepal.org)

منم همچنین توانست نرخ تورم را طی دوران ۱۰ ساله ریاست جمهوری خود به طور متوسط در محدوده سالانه متوسط زیر ۸ درصد کنترل نماید که دستاورد بزرگ دیگری در کارنامه اقتصادی دولت وی بود. علاوه بر آن صادرات آرژانتین نیز در طول دوران تصدی منم حدود سه برابر افزایش یافت و از مقدار ۱۰ میلیارد دلار به حدود ۳۰ میلیارد دلار رسید که رشدی ۳۰۰ درصدی را نشان می داد. در دوران ۱۰ ساله ریاست جمهوری او حجم اقتصادی آرژانتین از ۷۷ میلیارد دلار به حدود ۳۷۳ میلیارد دلار رسید و حدود ۵ برابر شد و به همین ترتیب سرانه تولید ناخالص داخلی نیز از ۲۴۰۰ دلار به ۹۴۰۰ دلار افزایش یافت. (<http://www.gestiopolis.com>)

۱- کارلوس منم از استانداران ایالتی و یک لیبرال واقعی بود که در پوشش یک هوادار پرونیسم وارد کارزار انتخاباتی در سال ۱۹۸۹ گردید. او در طول دوران ریاست جمهوری خود به شدت در مظان اتهام فساد و رسوایی های مالی از سوی مخالفان خود قرار داشت. برای مطالعه بیشتر رک به: https://en.wikipedia.org/wiki/Carlos_Menem

با این حال این رشد اقتصادی تا اندازه ای در نتیجه افزایش شدید بدهی های خارجی آرژانتین رخ داد که در اواخر دولت منم به حدود ۱۴۵ میلیارد دلار بالغ گردید که شامل بیش از ۴۰ درصد از حجم تولید ناخالص داخلی این کشور بود. از اواخر دولت او نشانه های وخامت در اوضاع اقتصادی پدیدار گشت به طوری که در سال ۱۹۹۸ نرخ رشد اقتصادی به منفی ۳/۴ رسید و زمینه های بروز بحران اقتصادی دوباره ای در کشور فراهم شد. (Lora Eduardo, 2010, p.66) دوره منم را باید دوره نهادینه سازی سیاست های نولیبرال دانست که در نتیجه آن نظام اقتصادی ملی در آرژانتین پس از حدود یک قرن مجدداً به نظام اقتصاد جهانی در حال جهان شدن متصل گردید.

نمودار شماره (۲) - رشد بدهی های خارجی آرژانتین در دهه ۹۰



* September
Source: Historia de la crisis argentina, 111

دوره بحرانی ابتدای هزاره سوم

از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۹ که منم رئیس جمهور آرژانتین بود به رغم برخی آشفتگی های اقتصادی و بی ثباتی ها در سیاستهای مالی - پولی، یکی از باثبات ترین دورانهای سیاسی و اقتصادی در آرژانتین رقم خورد، اما از سال ۱۹۹۹ تا زمان روی کار آمدن دولت چپگرای کریشتر، دور تازه ای از نابسامانی ها و بحران های حاد اقتصادی، مالی و حتی سیاسی در آرژانتین ایجاد شد که در نتیجه آن از سال ۱۹۹۹ و پس از پایان ریاست جمهوری منم تا ۲۰۰۳ و به قدرت رسیدن کریشتر، ۴ رئیس جمهور در این کشور به قدرت رسیدند^۱ و همزمان بدترین تجربه اقتصادی

۱- این ۴ رئیس جمهور شامل شامل «فرناندو دلاروآ»^۱، «رامون پوئرتا»^۱، «ادواردو کمبون»^۱، «ادواردو دوآلده»^۱ بودند. برای

آرژانتین در قرن اخیر رقم خورد که در نتیجه آن تمام دستاوردهای الگوی نولیبرالی توسعه در آرژانتین بر باد رفت و فصل تلخی از پیامدهای ناگوار اجرای این سیاست ها در این کشور رقم خورد. در حالی که در اواخر ریاست جمهوری منم احزاب چپگرا و نوپرونیستی، منم را به دلیل فساد گسترده سیاسی و اجرای ناقص و نامطلوب نسخه سیاستهای نولیبرالی به شدت مورد انتقاد قرار داده و سرزنش می نمودند، بحران سیاسی ناشی از بی اعتبار شدن دولت منم و از دست رفتن اعتماد عمومی به بازارهای مالی به سرعت به سقوط اقتصادی کشور انجامید. (Jaime Ortega Reyna, 2011, p.148-149)

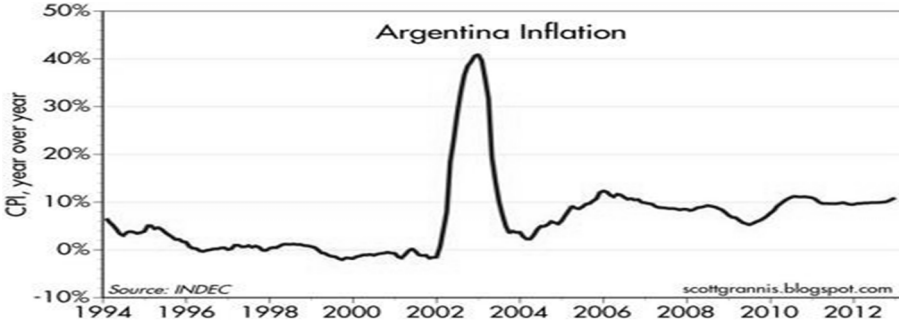
افزایش شدید نقدینگی در اثر نرخ های بالای بهره سبب شد تا نرخ تورم به سرعت از زیر ۵٪ به بالای ۴۰٪ ظرف دو سال افزایش یافته (نمودار شماره ۲) و رشد اقتصادی در طول همین دو از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ تا منفی ۱۵٪ تنزل نماید. از سال ۹۹ تا ۲۰۰۲ رشد اقتصادی تماما منفی بود که این وضعیت یادآور وضع ناگوار اقتصادی در دوران حکومت نظامیان در این کشور بود. در اثر این بحران اقتصادی بی سابقه از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ حجم تولید ناخالص داخلی در آرژانتین از ۳۲۵ میلیارد دلار به ۱۲۳ میلیارد دلار کاهش یافت که نتیجه آن گسترش فقر و کاهش شدید درآمد ملی مردم بود که به بحرانی بی سابقه تبدیل شد.^۱ در مورد علل اصلی این زوال اقتصادی می بایستی فساد بیش از حد سیاستمداران آرژانتینی، اجرای ناقص و بومی نسخه سیاست های نولیبرال یا پیامدهای ناگوار تاثیرات منفی نظام اقتصاد جهانی بر آرژانتین را در این مقطع مورد واکاوی عمیق قرار داد. نمودار شماره ۲ افزایش شدید تورم در کشور را بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ و قبل از دوره کریچرها نشان می دهد.

مطالعه بیشتر رک به: https://es.wikipedia.org/wiki/Crisis_de_diciembre_de_2001_en_Argentina

۱ - در اثر این بحران تمام دستاوردهای ۱۰ ساله دولت منم ظرف دو سال از بین رفت و نا آرامی های خیابانی، غارت بانک ها و فروشگاهها صحنه هایی از سقوط و زوال کامل اقتصادی در آرژانتین را در مقابل دیدگان جهانیان خلق نمود. برای مطالعه

بیشتر رک به: Rojas Mauricio, Historia De La Crisis Argentina, Timbero, Buenos Aires, 2003.

نمودار شماره (۳) - نرخ تورم در آرژانتین در طول دو دهه اخیر



Source: <http://www.indexmundi.com/facts/argentina/inflation>

نو پرونیسم یا کریشنیسم (۲۰۰۳ م)

بررسی سیاست های توسعه اقتصادی و اجتماعی در آرژانتین در طول ۱۵ سال گذشته نیازمند دقت و واکاوی در سیاستهای اجرا شده در دو دولت زوجین کریشنیست است که پس از پایان دوران بسیار بحرانی اوایل هزاره سوم از حزب PJ یا «حزب عدالتخواه»^۱ اداره کشور را در دست گرفته و نقش محوری در بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی آشفته آرژانتین پس از آغاز هزاره جدید میلادی ایفا نمودند. در دولت نخست کریشنیست که در آن از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ «نستور کریشنیست»^۲ رئیس جمهور بود، الگوی اقتصاد توسعه در آرژانتین تغییر یافت و در دولت بعد که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ همسر وی خانم «کریستینا فرناندز کریشنیست»^۳ رئیس جمهور بود این مسیر تا اندازه ای تقویت گردید، اگر چه در انتهای این مسیر مجدداً دولت کاملاً دست راستی موریسیو ماکری از سال ۲۰۱۵ به قدرت رسید، با این حال الگوی توسعه اقتصادی این دو دولت با سیاست های متعارف و رایج نولیبرال داشته است. زوجین کریشنیست نقشی کاملاً ممتاز و برجسته در تنظیم روابط نظام اقتصاد ملی کشور با مقتضیات نظام اقتصاد جهانی در دوره موسوم به جهانی شدن اقتصاد داشته اند، به طوری که در طول دوره ۱۲ سال زمامداری آنان آرژانتین

۱ -Partido Justicia

۲ -Nestor Kirchner

۳ -Cristina Fernández de Kirchner

توانست با اتکا به الگوی بومی تری از توسعه مبتنی بر همگرایی منطقه‌ای و اجرای سیاست‌های اقتصادی متوازن موقعیت از دست رفته خود را تا حد قابل قبولی بازابد، هر چند این کشور همچنان با چالشهای مهمی اقتصادی روبروست.

دولت نستور کریشنر با گفتن تعدیل اصولی سیاست‌های نولیبرال و رویکرد توسعه متوازن و با شعار بهبود درآمدها توانست اعتماد عمومی را به خود جلب نماید. (Carreras, 2010, p.37) او برای رهایی از مخمصه اضمحلال و فروپاشی اقتصادی در کشور پس از بحران سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ در ابتدا سیاست افزایش قیمت ارز یا کاهش ارزش پول ملی را اجرا کرد تا قدرت رقابتی محصولات آرژانتینی را افزایش دهد. از دیگر اقدامات مهم او استمهال بدهی‌های ۸۴ میلیارد دلاری کشور برای سه سال و پس از گفتگوهای طولانی با سازمانهای وام دهنده خارجی بود. (www.cepal.org) در دولت نستور کریچنر رشد اقتصادی خوب و کم سابقه‌ای حاصل شد و حتی رکورد رشد اقتصادی ۸/۵٪ و نرخ رشد ۱۰ درصدی در بخش صنعت به ثبت رسید که در تاریخ اقتصادی این کشور فقط با دولت منم قابل مقایسه بود. در اثر این سیاست‌ها، حجم تولید ناخالص داخلی از ۱۵۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به رقم ۳۲۳ میلیارد دلار یا معادل سال ۲۰۰۱ رسید و سرانه تولید ناخالص داخلی نیز از ۴۰۰۰ دلار به بیش از ۸۰۰۰ دلار رسید (lanic.utexas.edu) که گویای بازگشت دوباره به شرایط مشابه سال ۹۹ و تحقق شعارهای انتخاباتی آقای کریشنر بود. توفیقات اقتصادی آرژانتین در دولت کریشنر سبب اقبال مردم به این زوج شد و در نتیجه در انتخابات سال ۲۰۰۷ خانم کریستینا فرناندز با گفتن «توسعه عدالت محور» بر سر کار آمد. تا سال ۲۰۱۵ نیز بر سر کار بود. برای آن که ارزیابی دقیق تری از نحوه اجرای سیاست‌های مرتبط با اقتصاد توسعه در سالهای اخیر در آرژانتین داشته باشیم لازم است تا نگاهی به کارنامه اقتصادی امروز این کشور بیاندازیم. در نتیجه اجرای الگوی نومرکاتیلستی توسعه در دولتهای کریشنر آرژانتین توانسته است به جایگاه و موقعیت بسیار بهتری به لحاظ شاخص‌های اقتصاد توسعه در مقایسه با ابتدای هزاره سوم دست یابد. برخی از مهمترین دستاوردهای دولت‌های کریشنر با ارائه نمودارها و شاخص‌های مختلف اقتصادی ذکر شده است:

جدول شماره (۳) - برخی از مهمترین شاخصه های اقتصادی آرژانتین در سال ۲۰۱۵

شاخص	مقادیر	جایگاه جهانی
مساحت	۲.۷۸۰.۴۰۰ کیلومتر مربع	هشتم
جمعیت		سی و سوم
تولید ناخالص داخلی حقیقی	۶۳۰ میلیارد دلار	۲۱
تولید ناخالص داخلی (قدرت خرید)	۸۸۴ میلیارد دلار	۲۶
سرايه توليد ناخالص داخلي حقيقي	۱۴۶۰۰ دلار	۵۳
سرايه توليد ناخالص داخلي (قدرت خرید)	۲۰۵۰۰ دلار	۶۳
صادرات	۵۷ میلیارد دلار	
واردات	۵۹ میلیارد دلار	
شاخص ضريب جینی	۰/۴۲	
شاخص توسعه انسانی	۰/۸۳	بسیار بالا
درصد مردم زیر فقر	۲۳/۲	پایین

Source: <http://www.bancomundial.org/es/country/argentina>

نگاهی به شاخص های ذکر شده در جدول ۳ نشان می دهد که با توجه به حجم اقتصادی کشور و از جمله تولید ناخالص داخلی بسیار بالا با این حال سهم صادرات در اقتصاد کشور بسیار اندک است و کمتر از ۱۰ درصد از حجم تولید ناخالص داخلی است که گویای رویکرد حمایتگرایانه آرژانتین در اقتصاد توسعه این کشور در سالهای اخیر بوده است. نمودار ۴ نیز روند تغییرات در رشد اقتصادی کشور را بر اساس شاخص مقادیر تولید ناخالص داخلی در دهه های اخیر به تصویر کشیده است. با نگاهی به این نمودار می توان عملکرد دولت های نظامی در دهه ۷۰، دولت گذار آلفونسین، دولت نولیبرال منم و نحوه عملکرد دولتهای کریشتر را با هم مقایسه نمود. این نمودار به خوبی نحوه خروج از بحران اقتصادی سالهای ابتدایی هزاره جدید و ثبات و استمرار رشد اقتصادی آرژانتین در دولتهای چپگرای کریشترها را نشان می دهد. بر این اساس پس از کاهش شدید ارزش تولید ناخالص داخلی این کشور از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲، مجدداً شاخص تولید ناخالص داخلی در آرژانتین از سال ۲۰۰۳ رو به صعود بوده است به طوری که میزان تولید ناخالص داخلی کشور ظرف ۱۰ سال از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ حدود دو برابر شده و از حدود ۲۶۰ میلیارد دلار به بیش از ۶۰۰ میلیارد رسیده است که به وضوح موفقیت سیاستهای اقتصادی در دوره کریشترها را نشان می دهد.

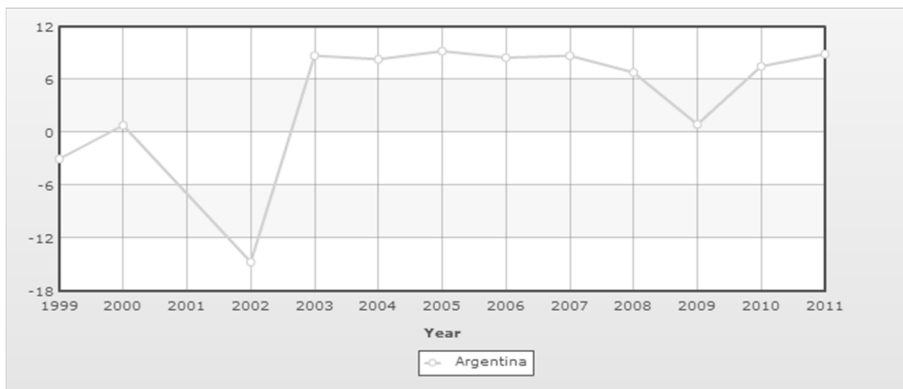
نمودار شماره (۴) - مقادیر تولید ناخالص داخلی در آرژانتین در چهار دهه اخیر



Source: <http://www.tradingeconomics.com/argentina/gdp>

نمودار ۵ نیز وضعیت رشد اقتصادی کشور را از ابتدای هزاره جدید به این سو به تصویر می کشد و نشان می دهد که آرژانتین از سال ۲۰۰۳ به طور متوسط از رشد اقتصادی بالای ۸ درصدی برخوردار بوده است که در نوع خود توفیق بی سابقه ای در اجرای سیاستهای اقتصادی در این دوره بوده است.

نمودار شماره (۵) - رشد اقتصادی آرژانتین

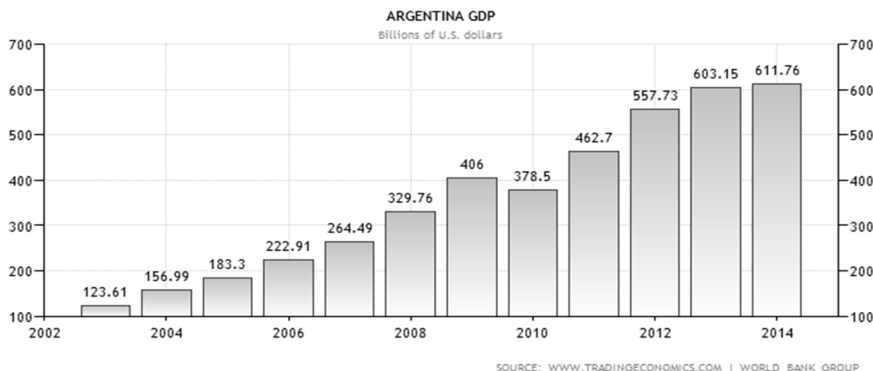


Source: <http://www.indexmundi.com/facts/argentina>

آرژانتین از لحاظ شاخص بالاترین رشد اقتصادی، مقام یازدهم را در سال ۲۰۱۵ به خود اختصاص داد. نمودار ۶ نیز به طور مشخص مقادیر تولید ناخالص داخلی آرژانتین در دهه نخست هزاره سوم و دوره ۱۰ ساله کریشورها از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ را نشان می دهد که گویای افزایش ۴

برابری در مقادیر تولید ناخالص داخلی کشور است که یک تحول شگرف اقتصادی محسوب می شد.

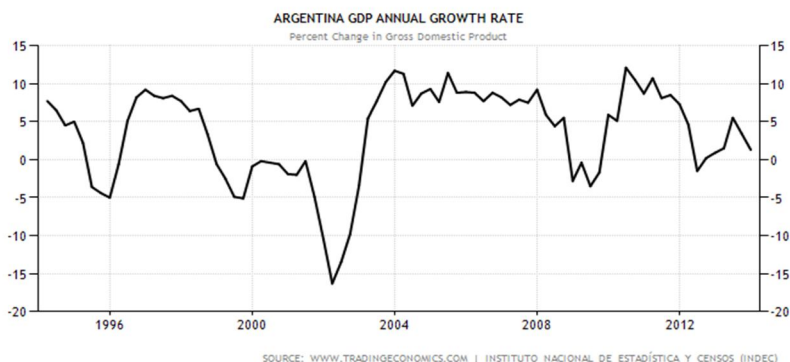
نمودار شماره (۶) - مقادیر تولید ناخالص داخلی آرژانتین در سالهای اخیر



Source: Perspectivas Economicas de America Latina, Cepal, 2014, 107

نمودار ۷ نیز روند تغییرات در رشد اقتصادی آرژانتین در بازه زمانی حدود ۱۵ ساله از اواسط دهه ۹۰ تا سال ۲۰۱۲ را به تصویر می کشد. این نمودار به خوبی رشد بسیار بالای اقتصادی در دولت نستور کریشنر پس از بحران شدید مالی سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ را که سبب افت شدید رشد اقتصادی این کشور تا حدود منفی ۱۵ درصد گردید، نیز نشان می دهد. علاوه بر آن بحران مالی جهان در سال ۲۰۰۸ نیز وقفه کوتاهی در روند رشد اقتصادی کشور به وجود آورد. با این وجود نرخ رشد اقتصادی آرژانتین در طول سالهای دوره کریشنرها روند بسیار مطلوبی را طی نموده است که طی آن آرژانتین به نوعی رشد اقتصادی پایدار دست یافته است.

نمودار شماره (۷) - فرآیند رشد اقتصادی آرژانتین



Source: Perspectivas Economicas de America Latina, Cepal, 2014, 108

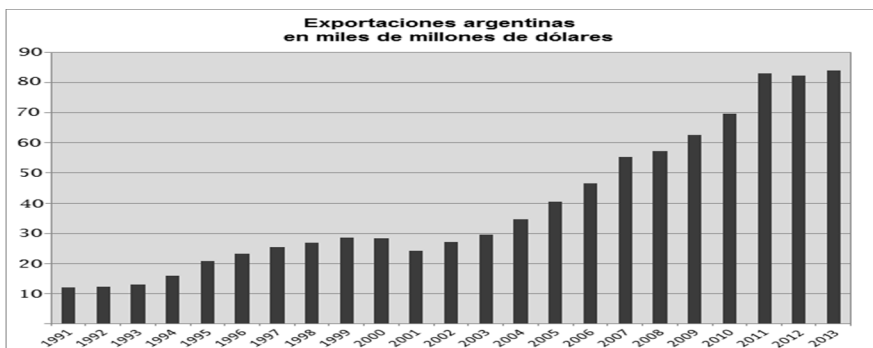
جدول ۴ سرانه تولید ناخالص داخلی آرژانتین را بر اساس شاخص برابری قدرت خرید در دهه نخست هزاره سوم به تصویر می کشد. همانگونه که مشاهده می شود سرانه تولید ناخالص داخلی آرژانتین پس از افت شدید در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ مجدداً از سال ۲۰۰۳ شروع به رشد کرده و در کمتر از یک دهه ۷۰٪ رشد را به ثبت رسانده است که گواه دیگری از موفقیت های اقتصادی دولتین کریشتر است.

جدول شماره (۴) - سرانه تولید ناخالص داخلی آرژانتین از ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۱

سال	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
سرانه تولید ناخالص داخلی به دلار	۱۰۰۰	۱۲۹۰	۱۰۲۰	۱۱۲۰	۱۲۴۰	۱۳۷۰	۱۵۲۰	۱۳۱۰	۱۴۲۰	۱۳۹۰	۱۴۷۰	۱۷۷۰

Source: <http://www.indexmundi.com/facts/argentina>

نمودار شماره (۸) - فرآیند رشد صادرات آرژانتین در دو دهه اخیر



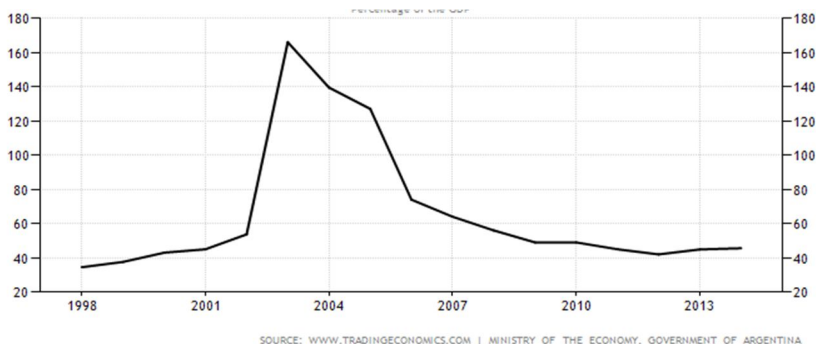
Source: <http://www.worldbank.org/en/country/argentina/overview>

نمودار ۸ روند رو به افزایش صادرات آرژانتین در طول حدود ربع قرن اخیر را به تصویر می کشد. بر این اساس از ابتدای دهه ۹۰ و همزمان با اجرای سیاستهای نولیبرال صادرات آرژانتین با روند رو به رشدی رو به توسعه بوده است. با این حال اگر چه رویکرد دولت کریشورها مبتنی بر الگوی نولیبرال نبوده است ، اما صادرات این کشور در دوره کریشورها همواره روندی رو به افزایش داشته است به طوری که این مقدار در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۸۰ میلیارد دلار رسید که در این میان سهم آمریکای لاتین در تجارت خارجی آرژانتین بسیار قابل ملاحظه است.

از سال ۱۹۹۲ که بازار مشترک جنوب و یا مرکوسور بر اساس پیمان آسانسیون تاسیس یافته است روابط تجاری آرژانتین و برزیل همواره رو به توسعه بوده است، به عنوان نمونه در حال حاضر برزیل مقصد حدود یک پنجم از کالاهای صادراتی آرژانتین (۱۹ درصد) است و نزدیک به یک سوم از کالاهای مورد نیاز آرژانتین نیز از برزیل تامین می شود و پس از آن چین، شیلی و آمریکا (با ۷ درصد) در زمره مهمترین شرکای تجاری آرژانتین قرار دارند. برای مطالعه بیشتر رک به:

<http://cepr.net/documents/publications/2011-12-exito-argentino.pdf>

نمودار شماره (۹) - نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی آرژانتین



Source: <http://www.tradingeconomics.com/argentina/>

نمودار ۹ نسبت یا سهم میزان بدهی های دولت از تولید ناخالص داخلی این کشور را نشان می دهد که از حدود ۱۶۷ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۱ به حدود کمتر از ۲۵٪ در سالهای اخیر کاهش یافته است که شاخص دیگری از موفقیت اقتصاد توسعه در آرژانتین در دولت کریشنر است.^۱

جدول شماره (۵) - سهم درصدی تحولات تکنولوژیکی کالاهای صادراتی آرژانتین در طول دو دهه

۲۰۰۸	۱۹۹۰	
۳۷	۳۸/۵	تولیدات اساسی و بنیادین
۲۱/۸	۲۴/۴	تولیدات صنعتی مبتنی بر منابع طبیعی
۳/۷	۱۰	تولیدات صنعتی مبتنی بر فناوری سطح پایین
۱۷/۴	۸/۸	تولیدات صنعتی مبتنی بر فناوری سطح میانه
۲/۴	۱/۵	تولیدات صنعتی مبتنی بر فناوری سطح بالا
۳	۰/۰۳	سایر تولیدات
۸۵/۲	۸۳/۵	مجموع تولیدات

Source: <http://cepr.net/documents/publications/2011-12-exito-argentino.pdf>

۱- پس از بحران مالی سال ۲۰۰۱ دولت با استقراض از بانک مرکزی سیاستهای انبساط پولی را به اجرا درآورد تا موتور رشد اقتصادی در این کشور را به حرکت درآورد که در نهایت این سیاست به شکست انجامید. اما با بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش رشد اقتصادی در دوره کریشنرها از میزان نسبت بدهی دولت آرژانتین به تولید ناخالص داخلی این کشور تا حد قابل توجهی کاسته شد. برای مطالعه بیشتر رک به: <https://es.wikipedia.org/wiki/Kirchnerismo>

جدول ۵ تحولات تکنولوژیکی کالاهای صادراتی آرژانتین در طول دو دهه اخیر را به تصویر می کشد که در آن کاهش تولیدات صنعتی مبتنی بر منابع طبیعی و افزایش قابل توجه تولیدات صنعتی مبتنی بر فناوری سطح بالا در دوران کریشنریسم کاملاً مشخص و نشانگر تغییرات سیاسی در الگوی توسعه اقتصادی در این کشور طی این دوره است.

جمع بندی

مطالعه الگوهای اقتصاد توسعه در آرژانتین به منزله تاکید دو باره بر اهمیت توانان دینامیزها و متغیرهای داخلی و بین المللی توسعه اقتصادی در این کشور است. این مطالعه از بعد تاریخی و از حیث نوسانات و فراز و فرودهای بسیار یک اقتصاد عظیم در حال توسعه تحت تاثیر این دینامیزم ها در قرن اخیر بسیار جالب توجه بوده و حاکی از عمق تاثیرات نظام اقتصاد جهانی بر اقتصاد توسعه در این کشور است. به عبارتی مطالعه الگوهای اقتصاد توسعه در آرژانتین تا اندازه زیادی می تواند تاثیرات الگوهای کلان نظام اقتصاد جهانی بر اقتصادهای بزرگ در حال توسعه در منطقه را به تصویر کشد. اقتصاد آرژانتین در طول دوران شکوه بی نظیر خود تا قبل از زوال هژمونی بریتانیا به سرعت رو به توسعه بود، اما با اوج گیری الگوی حمایتگرایانه اقتصادی هم در دوران پس از رکود و هم تعمیق و گسترش این الگو در دوران سی ساله پرون و حکومت نظامیان هم زمان با رقابتهای جنگ سرد مرتباً سیری نزولی و قهقراپی را در توسعه اقتصادی خود طی نمود. با تغییر پارادایم سیاسی و اقتصادی در کل منطقه و بازسازی اقتصاد آرژانتین بر اساس الگوی همگرایانه نولیبرال، دهه ۸۰ به گذار و انتقالی خسارت بار در کشور تبدیل شد و آرژانتین به رغم دستاوردهای دموکراتیک خود در ورطه ای از بحران های حاد اقتصادی گرفتار شد که عمدتاً معلول پیامدهای سیاست های اقتصادی بازار محور نولیبرال بود. اجرای سیاستهای نولیبرالیستی در دهه ۹۰ اگر چه سبب بهبود تدریجی شرایط اقتصادی گردید، اما بحران ابتدای هزاره سوم نشان داد که این دوره باثبات اقتصادی به دلیل ارتباط آن با متغیرهای بین المللی اقتصاد توسعه و به خصوص افزایش بدهی های کشور موقتی بوده است. ظهور کریشنریسم در انتقاد به حاکمیت بی حد و حصر سیاست های نولیبرال سبب تغییری دوباره در الگوی توسعه اقتصادی به سمت یک الگوی نومرکانتیلیستی و تحت نظارت دولت های کریشنر و با اولویت به همگرایی منطقه و واگرایی نسبی از الگوی نولیبرال گردید و نشان داد که دولت های کریشنر

پس از ناکامی های این الگو در آرژانتین در پی ایجاد الگوی بومی تری از اقتصاد توسعه بوده اند. به طور کلی کریشتریسم یا نوپرونیسم سعی نموده با بهره گیری از تجارب تلخ توسعه ای در دهه های قبل، تلفیقی از نولیبرالیسم جهانگرایانه دوره منم در دهه ۹۰ را با سیاستهای عدالتخواهانه اجتماعی، چپگرایانه و حمایتگرایانه در هم آمیزد. این الگو در طول ۱۲ سال حاکمیت کریشتریسم سبب بهبود قابل توجه و کلی شاخص های کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی قابل ملاحظه، کاهش شدید نرخ تورم و افزایش حجم اقتصادی تا حدود ۴ برابر شده است که نوعی معجزه اقتصادی متکی به بنیانهای داخلی این کشور است. اگر چه امروز از موقعیت و جایگاه محوری این کشور در قرن گذشته خبری نیست اما این امیدواری وجود دارد که آرژانتین بتواند با استمرار مسیری که در دوره کریشترها در پیش گرفته است با متوازن نمودن روابط خود با نظام اقتصاد جهانی به جایگاه و موقعیت شایسته تری در جهان دست یابد، هر چند تجربه تاریخی اقتصاد توسعه در آرژانتین با مستثنی نمودن الگوی کریشتریستی توسعه نشان می دهد که این جایگاه عموماً لرزان و بی ثبات بوده است به همین دلیل است که به روی کار آمدن دولت راستگرای ماکری به منزله آزمونی بزرگ و تاریخی دیگری برای اقتصاد توسعه در آرژانتین است.

منابع

- Rojas Mauricio, **Historia De La Crisis Argentina**, Timbero, Buenos Aires, 2003
- Vaccarezza, Federico, **Políticas De Desarrollo Industrial en La Argentina (1940-2001)**, 2012
- Lodola, German, Seligson, a, Mitchell, **Cultura Política de La Democracia en Argentina**, 2010
- Altmann, Josette & Fander falconi, **América latina y el Caribe: perspectivas de Desarrollo y coincidencias para la Transformación del estado**, Publicaciones de Flacso, 2011.
- Quenan, Carlos, **Los Desafíos del Desarrollo en América latina**, Institut des Ameriques, 2014.
- Valerino, F. Garcia, **Para Entender La economía Política**, Centro de Estudios Monetarios latin Americanos, 2000.
- Spiller, Pablo & Stein Ernesto & Tommasi, Mariano, **El Juego Político en América latina**, Banco Interamericano de Desarrollo, 2010.

- Antonio, Jose Ocampo & Bertola, Luis, **Desarrollo Vaivenes y Desigualdad, Una Historia Economica De America Latina Desde La Dependencia**, Secretaria General Ibero Americana, 2009.
- Lora, Eduardo & Payne, Mark, & Stein Ernesto, **La Politica de las politicas Publicas, Progreso economic y Social en America Latina**, Banco Interamericano de Desarrollo, Informe 2012.
- Rojas Francisco, Alvarez Andrea, **America Latina y el Caribe, Globalizacion y conocimiento, flaco** 2011.
- Carreras, Albert, Hofman, A. Andre, Tafunell Xavier, **El Desarrollo Economico de america latina en epocas de Globalizacion**, CEPAL, 2010.
- Delcarmen, Maria, Lorenzo, Eva, **Desafios Del Desarrollo Economico De America Latina, Evolucion en 1950-2000 Y Perspectivas**, Departamento de Estudios economicos. La Universidad de Santiago, 2011.
- Ramiro, Julian, **La globalizacion: sus Efectos Y Las Bondades**, Fundacion Universidad Autonoma De Colombia, 2009
- George, Abelardo Ramos, **Historia De la Nacion Latino Americana**, Buenos Aires, 2011
- Sanchez, Omar, ' **Globalization as development Strategy in Latin America**', 2003.
- Lindert, Paul Van, Verkoren, Otto, " **Decentralized development in Latin America**", Springer, 2010.
- Wiarda, J. Howard, K line, F. Harvey, " **Latin American Politics and Development**", West view press, 2007.
- Maddison, Angus, **The World Economy**, Development Center Studies, OECD, 2011,
- Peet, Richard and Hartwick. Elaine " **Theories of Development**" , Guilford Press, 2009
- Cordera Rolando, **El desarrollo Hoy y Ayer**, Revista cepal, 113, Agosto 2014,
- Haber, Stephen, **Crecimiento Economico E Historia Economica De America Latina, Economia , Theoria Y Practica**, Numero 8, 1997
- Quenan, Carlos, **Los Desafios del Desarrollo en America latina**, Institut des Ameriques, nu 24, enero 2014
- Jaime Ortega Reyna, **La configuracion neoliberal en America Latina**, Espiral, Estudios sobre Estado y Sociedad Vol. XVIII No. 52 □ Septiembre / Diciembre de 2011
- Cordera Rolando, **El desarrollo Hoy y Ayer**, Revista cepal, 113, Agosto 2014,
- Aravena, Francisco Rojas, **Siete Efectos Politicos De La Crisis Internacional Para America Latina**, Revista Nueva Sociedad, N 224, Noviembre- Diciembre De 2009
- https://es.wikipedia.org/wiki/Historia_de_la_Argentina
- <http://www.gestiopolis.com/historia-economica-argentina>
- <http://html.rincondelvago.com/politica-economica-argentina>

- <http://www.cepal.org/es/sedes-y-oficinas/cepal-argentina>
- <http://www.cepal.org/sites/default/files/courses/files/jcmoreno.pdf>
- <http://cepr.net/documents/publications/2011-12-exito-argentino.pdf>
- <http://www.indexmundi.com/facts/argentina/gdp>
- <http://www.tradingeconomics.com/argentina/tradestatistics>
- <http://www.worldbank.org/en/country/argentina/overview>
- <https://es.wikipedia.org/Argentina>
- <http://lanic.utexas.edu/project/etext/llilas/claspo/overviews/marchesi.pdf>
- https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/world_trade_report15_e.pdf
- http://www.sem-wes.org/sites/default/files/revistas/rem20_4.pdf
- http://historiapolitica.com/datos/boletin/polhis7_mazzei.pdf
- http://www.columbia.edu/~lnp3/mydocs/state_and_revolution/Juan_Peron.htm
- https://es.wikipedia.org/wiki/Juan_Domingo_Per%C3%B3n
- <http://unstats.un.org/unsd/trade/imts/Historical%20data%201900-1960.pdf>
- https://es.wikipedia.org/wiki/Guerra_de_las_Malvinas
- https://en.wikipedia.org/wiki/Carlos_Menem
- <https://es.wikipedia.org/wiki/Kirchnerismo>
- <https://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2006/02/pdf/c3.pdf>
- <http://www2.me.gov.ar/efeme/24demarzo/dictadura.html>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Ra%C3%BA1_Alfons%C3%ADn
- https://es.wikipedia.org/wiki/Crisis_de_diciembre_de_2001_en_Argentina